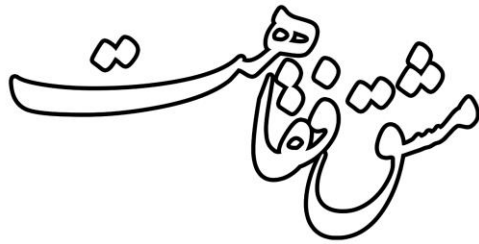


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دوفصلنامه علمی — تخصصی

سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۴



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار (علیهم السلام)

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: محمدعلی قاسمی

مدیر تحریریه: حامد اسدی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

علی اسلامی فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی

حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی

محمدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی



مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مهران اسلامی

مترجم (انگلیسی) و (عربی): مجتبی شیخی

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: صفرعلی اخلاقی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، دفتر دوفصلنامه مشق فقاهت

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۴۹۴ - دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال





Child Labor within the Jurisprudential Framework: A Focus on the Criterion of “Child’s Interest”

Hojjat Hekmat¹

Abstract

This research provides a rigorous analysis of the ruling regarding “the employment of children in economic activities.” The central inquiry involves determining the scope of the primary principle of prohibition and identifying the instances of its permissibility, centered on the fundamental concept of “the child’s interest” (*maṣlahat al-tīfl*) as the decisive criterion. Employing a descriptive-analytical method, this study establishes the primary principle of the prohibition of child labor as a protective framework. This is derived through four categories of evidence: the Quranic principle of obligation according to capacity (*taklīf ‘alā qadr al-tāqah*), traditions regarding the obligation of financial maintenance (*nafaqah*), the tradition prohibiting the employment of unskilled children, and the conduct of the rational (*binā-ye ‘uqalā*). This framework explicitly deems any exploitative, unjust act, or action exceeding the child’s physical or mental capacity as prohibited (*ḥarām*). Conversely, this study demonstrates with precision that this prohibition is not absolute. In cases where the child’s best interest is served—such as through skill acquisition, economic training, the fostering of responsibility, and socialization—this prohibition may be relaxed. Accordingly, whenever an economic activity is appropriate for the child’s age, physical, and psychological capacity, conducted without coercion or pressure, and under the strict supervision of the legal guardian (*walī*), there is no defensible legal basis for its prohibition. Upon fulfilling all such conditions, one may rule for its jurisprudential permissibility. The research findings emphasize that the ultimate standard of judgment in this domain is the absolute prioritization of the “child’s interest” over any personal, economic, or familial gain. Consequently, the entire spectrum of rulings, from “protective prohibition” to “educational permissibility,” can be elucidated and defined in light of this key concept.

Keywords: Child Labor, Islamic Jurisprudence, Child’s Interest (*Maṣlahah*), Children’s Rights, Employment of Children.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

1. Researcher in Child Jurisprudence, Pure Imams’ Jurisprudential Center, Qom.
hj.hekmat1368@gmail.com



دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال سوم، شماره پنجم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)
تاریخ ارسال، ۱۴۰۴/۰۱/۱۰
تاریخ پذیرش، ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

کار کودک در چهارچوب فقهی با تمرکز بر معیار مصلحت

حجت حکمت^۱

چکیده

پژوهش حاضر به واکاوی دقیق حکم «به‌کارگیری کودکان در فعالیت‌های اقتصادی» می‌پردازد. پرسش محوری آن، تبیین قلمرو اصل اولی منع و موارد جواز این پدیده، با محوریت مفهوم بنیادین «مصلحت کودک» به عنوان معیاری تعیین‌کننده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، از رهگذر استناد به ادله‌ای چهارگانه شامل قاعده قرآنی تکلیف بر اساس توانایی، روایات وجوب نفقه، روایت نهی از کسب کودک نابلد و بنای عقلای عالم، اصل اولی منع اشتغال کودک را به عنوان چهارچوبی حمایتی استنتاج شده است؛ قاعده‌ای که هرگونه اقدام استثمار، ظالمانه و خارج از طاقت کودک را به صراحت حرام می‌شمارد. در مقابل، این پژوهش با ظرافتی دقیق نشان می‌دهد که این منع، مطلق نبوده و در مواردی که غبطه کودک، از جمله مهارت‌آموزی، تربیت اقتصادی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، اجتماعی شدن کودک و... تحقق یابد، می‌توان از آن عدول کرد. بدین ترتیب، هرگاه فعالیت اقتصادی، متناسب با سن و توان جسمی و روانی کودک، دور از اجبار و فشار، و تحت نظارت دقیق ولی شرعی باشد، دلیلی محکمه‌پسند بر حرمت آن وجود ندارد و می‌توان با رعایت تمامی شروط مذکور، به جواز شرعی آن حکم نمود. یافته نهایی تحقیق بر این امر تأکید می‌ورزد که معیار نهایی داوری در این عرصه، ترجیح مطلق و بی‌چون و چرای «مصلحت کودک» بر هرگونه نفع شخصی، اقتصادی یا خانوادگی است؛ به گونه‌ای که می‌توان طیف کامل احکام، از «منع حمایتی» تا «جواز تربیتی» را در پرتو این مفهوم کلیدی تبیین و تعریف نمود.

واژگان کلیدی: کار کودک، فقه اسلامی، مصلحت کودک، حقوق کودک، اشتغال کودکان

۱. پژوهشگر فقه و حقوق کودک، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، حوزه علمیه قم، hj.hekmat1368@gmail.com

مقدمه

موضوع اشتغال و کار کودکان، از جمله مباحث پیچیده در حوزه حقوق کودک و فقه کاربردی است که زوایای مختلف مصلحت، مفسده، تربیت و استثمار را درمی نوردد. از منظر آموزه‌های دینی، تلاش و کار، ارزشی والا دارد و بستری برای رشد و تعالی انسان فراهم می‌آورد. با این حال، هنگامی که این نیاز فطری، به حرصی مادی‌گرایانه تبدیل شود، به «تکاثر» - که قرآن کریم از آن نهی فرموده - دچار می‌شویم و این، سرآغاز انحراف از مسیر تعادل است.

در چنین فضایی، والدین آگاه و مسئول در مقام تصمیم‌گیری درباره ورود کودک به عرصه کار، وظیفه دارند با بهره‌گیری از دانش و بینش کافی، میان دو خطر افراط و تفریط تعادل برقرار کنند: از یک سو، مصون‌سازی کودک از خطرات دنیازدگی و استثمار و از سوی دیگر، بهره‌گیری از فرصت‌های تربیتی سازنده. شایان ذکر است که بنیان بسیاری از رفتارهای معقول یا مشحون از مادی‌گرایی، از دوران کودکی شکل می‌گیرد و همین امر، اهمیت تصمیم‌گیری آگاهانه در مسئله اشتغال کودک را دوچندان می‌سازد.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

بر این اساس، برای پیشگیری از افتادن کودک در دام تنبلی یا دچار شدن به روحیه تکاثر و زیاده‌خواهی، می‌توان با طراحی برنامه‌ای هدفمند، زمینه‌ساز ورود تدریجی و سازنده او به عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی شد. در این راستا، فعالیت‌های اقتصادی متناسب با سن و روحیه کودک - در کنار برنامه‌های ورزشی و تفریحی - می‌تواند به تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، کسب مهارت‌های زندگی و گسترش ظرفیت‌های روحی او بینجامد. از این رو، به نظر می‌رسد محروم کردن کودک از فواید و مصالح متعالی ناشی از کارهای متناسب، خردمندانه نباشد.

با این حال، گاه شاهد رویکردی افراطی از سوی برخی خانواده‌ها می‌باشیم که با چشم‌پوشی از مصالح عالیّه کودک، صرفاً برای تأمین معیشت، او را به کارهای طاقت‌فرسا، تکدی‌گری و اموری مشابه وادار می‌کنند؛ رفتاری که از دیدگاه عقل و شرع ناپسند و نارواست. در تأیید این امر، در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کسب کودکی که هیچ فن و حرفه‌ای ندارد نهی فرمودند؛ چراکه اگر

چیزی به دست نیاورد، ممکن است به دزدی روی آورد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۶۷). روشن است که چنین پیامدی نیز خواسته هیچ خانواده مسئولیت پذیری نیست. بر این بنیان، بررسی فقهی ورود کودکان به عرصه فعالیت های اقتصادی و تبیین دیدگاه شریعت در این زمینه، ضرورتی انکارناپذیر می یابد. پرسش های اصلی این پژوهش بدین شرح است: نگاه شریعت به اشتغال کودکان چیست؟ آیا والدین مجاز به بهره کشی از کودکان تحت سرپرستی خود هستند؟ مصالح و مفاسد اشتغال کودکان با کدام معیار به ویژه معیار «مصلحت کودک» قابل سنجش و ارزیابی است؟ و در صورت جواز، این امر در چه قالب هایی قابل تصور است؟

شایان ذکر است که تاکنون پژوهش مستقلی که به صورت جامع به این موضوع با رویکردی فقهی بپردازد، انجام نشده است. برای نمونه، کتاب «حقوق کودک» تألیف غلامرضا پیوندی، بیشتر بر مباحث حقوقی متمرکز است و کتاب «حقوق کودک» اثر سید مصطفی میرمحمدی، تنها در چند صفحه به این مسئله پرداخته است. از این رو، یکی از وجوه تمایز پژوهش حاضر، تبیین گسترده مصالح نهفته در کار کودک - در چهارچوبی به دور از مفاسد مسلم و ظلم - و نیز تعیین قلمرو جواز و منع آن بر پایه ادله فقهی است.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

این نوشتار در دو بخش اصلی سامان یافته است: بخش نخست به «تبیین حکم اولی و اصل منع اشتغال کودکان» اختصاص دارد و بخش دوم، «قلمرو زوایی و موارد جواز بهره گیری از کودک در فعالیت های اقتصادی» را با تأکید بر فواید و مصالح مترتب بر آن، مورد تحلیل قرار می دهد.

۱. اصل منع اشتغال و به کارگیری کودک

در نظام فقهی، صحت معاملات کودک، منوط به رسیدن او به «سن رشد» است، نه صرف بلوغ یا سنین خاصی مانند هجده سالگی (شهیدی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۵۰؛ ایروانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰۷). بر این اساس، معاملات فردی که به رشد فکری و توانایی مدیریت اقتصادی نرسیده باشد، باطل است، مگر آنکه با اذن پدر یا ولی شرعی همراه باشد و نافذ گردد.

با فرض رفع این مانع فقهی (با اذن ولی)، پرسش بنیادین دیگری مطرح می شود:

آیا ولی شرعی مجاز است خود، کودک را در فعالیت‌های اقتصادی به کار گیرد؟ این پرسش را می‌توان در دو سطح بررسی کرد:

- (۱) آیا به کارگیری کودک برای کمک به تأمین معیشت خانواده جایز است؟
 - (۲) آیا به طور کلی، واجب کردن اشتغال بر کودک، صرف نظر از نیاز مالی خانواده، مجاز شمرده می‌شود؟
- این بخش از نوشتار، به تبیین و بررسی موانع فقهی این امر می‌پردازد.

۱-۱. قاعده قرآنی تکلیف بر اساس توانایی: بنیان حقوق حمایتی کودک

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ (سوره مؤمنون، آیه ۶۲)؛ «هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کنیم».

الف. دلالت کلی قاعده

این آیه شریفه، یک قاعده کلی و جهان‌شمول را بیان می‌دارد که تکلیف مشروط به «وسع» و توانایی فرد است. این قاعده، منحصر به مکلفان خاص نیست، بلکه همه انسان‌ها را با توجه به شرایط ذاتی و اکتسابی‌شان در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۵۹؛ سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۴۴). تشخیص مصداق «وسع» و تعیین حدود توانایی، غالباً بر عهده «عرف» گذاشته شده است.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

ب. تطبیق قاعده بر وضعیت کودک و استنباط مسئولیت سرپرست

مصدق بارز افرادی که فاقد «وسع» کامل برای اداره امور اقتصادی زندگی هستند، کودکان می‌باشند. این فقدان توانمندی، ریشه در محدودیت‌های عقلی، روانی و جسمانی دوران رشد دارد. بر اساس دلالت کلی آیه، تکلیف مستقیم تأمین معاش، به طور اولیه نمی‌تواند متوجه فردی باشد که اساساً فاقد وسع لازم است.

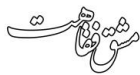
از سوی دیگر، روح کلی حاکم بر شریعت و سیره عقلای متدین، حکم می‌کند که جامعه انسانی و به ویژه نظام خانوادگی، نمی‌تواند نسبت به تأمین نیازهای اعضای ناتوان خود بی‌تفاوت باشد. در این ساختار، نزدیک‌ترین فرد توانمند و مسئول در قبال کودک، سرپرست خانواده (پدر) شناسایی می‌شود. روایات متعددی

نیز بر عهده‌داری نفقه توسط پدر تصریح دارند (که در بخش بعدی مقاله به آن پرداخته خواهد شد).

جمع این دو مقدمه به این نتیجه می‌انجامد: شارع مقدّس با وضع قاعده کلی ﴿لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ از یک سو، کودک را از تکلیف خارج از توان معاف می‌دارد و با تعیین سرپرست به عنوان مسئول اولیه از سوی دیگر، چهارچوب عملی و اجتماعی تحقق این حکم حمایتی را تدارک می‌بیند. بنابراین، شانه‌خالی کردن پدر از این مسئولیت و واگذاری بار اقتصادی زندگی به کودک، نقض غرض شارع از این قاعده و مخالف حکمت و عدالت نهفته در آن است.

ج. استنتاج حکم (از «عدم تکلیف» تا «منع به‌کارگیری استثماری»)

نکته محوری اینجاست که دلالت این آیه، فراتر از نفی تکلیف از کودک است. هنگامی که شارع مقدّس، با استناد به فقدان «وسع»، کودک را از یک تکلیف مالی (مانند انفاق) معاف می‌دارد، در حقیقت حقوق و جایگاه حمایتی ویژه‌ای برای او قائل شده است.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

در چنین چهارچوبی، به‌کارگیری کودک در نقش یک مکلف اقتصادی و برای رفع تکالیف معیشتی خانواده - حتی اگر عنوان «تکلیف شرعی» بر آن صدق نکند - نقض غرض شارع و خلاف مصلحت مسلم کودک محسوب می‌شود. بنابراین، این آیه شریفه، اصل اولیه منع به‌کارگیری کودکان در فعالیت‌های اقتصادی استثماری و فراتر از توانایی‌شان را تقویت می‌کند.

شایان توجه است که حکم مذکور، ناظر به مصداق بارز و رایج به‌کارگیری کودک، یعنی استفاده از او در تأمین مخارج زندگی تحت فشار اقتصادی است، اما این پرسش همچنان باقی است که آیا به‌کارگیری کودک در فعالیت‌های اقتصادی متناسب، با هدف آموزش، مهارت‌آموزی و تربیت - و بدون بار مسئولیت معیشت خانواده - نیز مشمول این منع اولی می‌شود؟

همان‌طور که در ادامه و در بخش دوم مقاله روشن خواهد شد، این نوع از بکارگیری، به دلیل غایت و شرایط متفاوتش، نیازمند بررسی مستقل و احکام جداگانه‌ای است.

۱-۲. روایات ناظر بر تعیین وظیفه تأمین معاش بر عهده سرپرست خانواده

در بخش پیشین، بر اساس قاعده قرآنی «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»، عدم تکلیف کودک بر تأمین معاش و منع اولیه به کارگیری وی در این راستا تبیین گردید. در این بخش، به نقطه مقابل این حکم پرداخته می‌شود و ادله‌ای که مسئولیت اصلی تأمین معاش خانواده را به طور ایجابی بر عهده سرپرست قرار می‌دهند.

الف. مستندات روایی

روایات متعددی بر عهده‌داری سرپرست خانواده در زمینه اتفاق تأکید دارند. امام صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش که مرد نسبت به نفقه چه کسانی مسئول است، فرمودند: «پدر و مادر، فرزند و همسر» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳). در روایتی دیگر آمده است: «مرد فقط بر پرداخت نفقه والدین و فرزند مجبور می‌شود» (همان، ج ۵، ص ۵۱۲).

امام موسی بن جعفر علیه السلام در بیان حق زن مطلقه فرمودند: «...تا زمانی که عده‌اش به سر می‌رود، نفقه و مسکنش بر عهده شوهر است» (همان، ج ۶، ص ۹۱). این حکم، با اولویت، شامل حال زن در زمان زوجیت می‌گردد.

در مقام ترغیب و تأکید بر این وظیفه، ائمه معصومین علیهم السلام بر «وسعت دادن» بر خانواده تأکید کرده‌اند. امام سجاد علیه السلام فرمودند: «پسندیده‌ترین شما نزد خداوند، کسی است که بر خانواده خویش، وسعت و فراخی بیشتری دهد» (همان، ج ۴، ص ۱۱). امام رضا علیه السلام نیز فرمودند: «بر انسان سزاوار است که بر اهل و عیال خویش وسعت دهد و آنان را در تنگنا قرار ندهد» (همان).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

ب. تحلیل دلالتی و نتیجه‌گیری

گرچه برخی از این روایات به تنهایی ممکن است حاوی حکم الزامی نباشند، اما برآیند آنها در کنار ادله فقهی دیگر، وجوب نفقه را بر عهده سرپرست خانواده (پدر) اثبات می‌کند (ر.ک: حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۴۴). این ادله، مسئولیت اصلی و اولیه را به وضوح بر دوش سرپرست می‌گذارند و در این زمینه، نگاهی به سایر اعضای خانواده (از جمله کودک) به عنوان متولی اصلی معاش ندارند.

بنابراین، قرآن با نفی تکلیف از کودک به دلیل فقدان «وسع»، و روایات با تحمیل مسئولیت بر عهده سرپرست، چهارچوب حمایتی روشنی برای کودک ترسیم می‌کنند. پس این ادله گویای آن است که کودک نباید زیر بار مسئولیت اقتصادی سنگین و خارج از حدّ توانش قرار گیرد.

در پاسخ به این شبهه که «این روایات فقط وظیفه پدر را بیان می‌کند و کمک داوطلبانه کودک را نفی نمی‌کنند» باید گفت:

این سخن درست است، اما مغالطه در تطبیق است. بحث اصلی این مقاله، «جواز یا منع به‌کارگیری و اجبار کودک» است، نه «همکاری داوطلبانه خود کودک و البته مبتنی بر مصلحت». استناد به این ادله، برای اثبات قبح و حرمت جابجایی مسئولیت و واگذاری بار معاش خانواده به کودک است، نه نفی هرگونه مشارکت اقتصادی تحت هر شرایطی. بنابراین، وقتی سرپرست با تکیه بر این ادله، مسئولیت خود را نادیده گرفته و کودک را به عنوان یک «منبع درآمد» به کار گیرد، عملاً چهارچوب حمایتی شرعی را نقض کرده است (ر.ک: زارع، حاجی‌زاده، اکبری، ۱۳۸۸، ص ۳۹).



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

حکم فوق، ناظر به فرض اصلی بحث، یعنی به‌کارگیری کودک برای تأمین معاش خانواده است. بررسی حکم اشتغال کودک در مواردی که مصالح تربیتی و آموزشی بر آن صدق می‌کند، در بخش دوم مقاله و ذیل فروض جداگانه انجام خواهد پذیرفت.

۳-۱. روایت نهی‌کننده از کسب کودک فاقد مهارت

یکی از صریح‌ترین ادله در این موضوع، روایتی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است. امام صادق علیه السلام در روایت صحیح‌ه‌ای فرمودند: «... نَهَى عَنْ كَسْبِ الْغُلَامِ الصَّغِيرِ الَّذِي لَا يُحْسِنُ صِنَاعَةً فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَجِدْ سَرَقًا» (حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از کسب (کسب درآمد) کودکی که هیچ فن و حرفه‌ای ندارد، نهی نموده است؛ چراکه اگر چیزی به دست نیاورد، این ترس وجود دارد که دست به دزدی بزند) (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱۷۸).

الف. تحلیل دلالت روایت و قلمرو شمول آن

این روایت به روشنی بر حرمت سوق دادن کودک به فعالیت اقتصادی بدون پشتوانه

دلالت دارد. علت نهی که در خود روایت آمده است («مبادا دست به دزدی بزند») کلید فهم حکم است. این علت نشان می‌دهد حکم حرمت، ناظر به شرایط ذیل است:

۱. کودک، فاقد هرگونه مهارت و حرفه باشد؛
۲. او تحت فشار برای کسب درآمد قرار گیرد («اگر چیزی به دست نیاورد...»);
۳. این فشار، وی را در معرض وقوع در مفسده (مانند دزدی) قرار دهد.

ب. تطبیق روایت بر مصادیق و تعیین قلمرو حکم

بر این اساس، مصداق بارز حرام، وادار کردن کودک به تکدی‌گری، دست‌فروشی بدون مهارت، یا هرگونه فعالیت اقتصادی مشابه است که در آن، کودک ابزاری صرف برای جلب ترحم یا درآمدزایی سریع باشد و احتمال افتادن او به ورطه مفاسد اخلاقی و اجتماعی وجود داشته باشد. این دقیقاً مصداق «بهره‌کشی» و «کار استثمار» است که با فلسفه حکم روایت در تعارض کامل قرار دارد.

ج. تحدید دلالت روایت و تدوین معیارهای عینی برای جواز

با این حال، دلالت این روایت اطلاق ندارد و نمی‌توان از آن، منع مطلق هرگونه فعالیت اقتصادی کودک را تحت هر شرایطی استنباط کرد. قلمرو شمول روایت، محدود به فعالیت‌هایی است که فاقد ضوابط حمایتی و مصلحت‌آمیز باشند. برای جلوگیری از سوءتفسیر و تضمین حمایت از کودک، هرگونه فعالیت اقتصادی مجاز باید همزمان واجد شرایط زیر باشد:

۱. هدفمندی تربیتی - مهارتی

فعالیت باید با هدف اصلی آموزش حرفه یا مهارت زندگی (مانند مدیریت مالی، کار گروهی یا مسئولیت‌پذیری) طراحی شده باشد، به گونه‌ای که کیفیت و مدت فعالیت توجیه‌کننده این هدف باشد و درآمدزایی صرف در آن محور نباشد.

۲. تناسب سنی و توانمندی

فعالیت باید با گروه سنی کودک متناسب باشد (مانند کمک در امور ساده خانگی یا خانوادگی برای خردسالان، یا کارآموزی در حرفه‌ای ساده برای نوجوانان)؛ همچنین باید از حداکثر توان بدنی و روانی یک کودک عادی در آن سن تجاوز نکند (به عنوان



مثال، مستلزم جابجایی بار سنگین، ساعت‌های کار طولانی، یا مواجهه با مواد خطرناک نباشد؛ و باید با زمان استراحت، بازی و تحصیل او در تعارض نباشد.

۳. نظارت فعال ولی

نظارت ولی شرعی باید مستمر و فعال باشد تا:

۱. از تحقق مفسده محقق یا غالب (مانند قرار گرفتن در محیط‌های ناامن یا معاشرت‌های مفسده‌انگیز) جلوگیری کند.

۲. اطمینان حاصل شود که فعالیت به بهره‌کشی (استثمار) تبدیل نشده است.

۳. در صورت مشاهده هرگونه اثر منفی بر سلامت جسمی، روانی یا تحصیلی کودک، فوراً متوقف یا اصلاح گردد.

پس در صورتی که فعالیتی اقتصادی، هم‌زمان این سه شاخصه را دارا باشد، از شمول روایت نهی خارج بوده و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. در حقیقت، در چنین چهارچوب مضبوطی، نه تنها مفسده‌ای محقق نمی‌شود، بلکه مصلحت تربیتی و اجتماعی قابل توجهی نیز تحقق می‌یابد.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

۴-۱. بنای عقلا و کشف عقلایی از مصالح کودک

در تکمیل ادله پیشین، می‌توان به سیره مستمر عقلای عالم و کشف عقلایی از مصالح اساسی کودکان استناد جست. این منبع استنباط، به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که در کنار ادله نقلی قرار گیرد و قرائتی هماهنگ با حکمت شارع ارائه دهد.

الف. تحلیل و تحدید ادله مالکیت ولی

در مقام استدلال، گاه به روایاتی همچون «أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَيِّكَ» (تو و اموالت برای پدرت هستی) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۳۵) استناد می‌شود که ظاهری گسترده دارد. با این حال، فتوای فقها و سیره عملی متشرعه نشان می‌دهد که این اختیار، مطلق نیست و مقید به رعایت مصالح کودک است (شیرازی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۶۸). عقلاء هیچ‌گاه این اختیار را به معنای حق بهره‌کشی، تضییع حقوق کودک یا نادیده گرفتن مصالح مسلم او تفسیر نکرده‌اند بلکه برای والدین مسئولیت خطیری در نظر گرفته شده است

به طوری که چنین بیان نمودند: «سزاوار است والدین در تربیت بر اساس عقاید صحیح، اخلاق کریمانه، رعایت تندرستی کودک، اهتمام به شئون نظافتی، یاددهی تمامی واجبات اجتماعی و فرهنگی، هشدار دشمنی نااهلان و دشمنان دین، حفاظت بر عزت و کرامت، و هر حقوقی که با شرافت وی در ارتباط است» (گروهی از مؤلفان، مجله مجمع فقه اسلامی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۳۵۴). بنابراین، نمی توان از چنین ادله ای، جواز اجباری کودک به کارهای طاقت فرسا یا خلاف مصلحت را استنباط کرد.

ب. کشف عقلایی از مصالح بنیادین کودک و قاعده ملازمه

عقلاء بر اساس مشاهده آثار و عواقب، به این حکم قطعی می رسند که محیط امن، فراغت برای بازی و یادگیری، و دوری از فشارهای اقتصادی نابه جا، از مصالح بنیادین و قطعی هر کودک است (میرمحمدی، ۱۳۹۳ش، ص ۳۴۵). هر عملی که این فضا را از بین ببرد - مانند وادار کردن کودک به کارهای سنگین برای تأمین معاش خانواده - مصداق ظلم و ناعدالتی آشکار است. این یک حکم عقلایی ناشی از عقل قطعی است که در طول تاریخ، جوامع مختلف به آن رسیده اند.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

بر اساس قاعده ملازمه (کلّ ما حکم به العقل، حکم به الشرع)، هرگاه عقل به گونه قطعی به قبح یا حسن چیزی حکم کند، شرع مقدّس نیز با آن همراه است. از آنجا که سیره عقلای متدین همواره بر حرمت «ظلم به کودک» و «نادیده نگرفتن مصالح قطعی او» جاری بوده، می توان به حرمت شرعی چنین اقداماتی حکم نمود. با تلفیق ادله چهارگانه (قرآن، روایات نفقه، روایت نهی از کسب کودک نابلد و

بنای عقلا) می توان اصل اولی و قاعده کلی در این موضوع را این گونه تبیین کرد: هرگونه به کارگیری کودک در فعالیت اقتصادی که با مصالح قطعی او در تعارض باشد یا موجبات ظلم، استثمار یا محرومیت او از حقوق بنیادین (مانند آموزش، بازی و رشد طبیعی) را فراهم آورد، ممنوع و حرام است.

این اصل، یک اصل سلبی و مانع است. بنابراین، در مواردی که شک داریم فعالیت اقتصادی خاصی برای کودک مفسده آمیز است یا خیر، اصل اولی، منع و حرمت است مگر آنکه مصلحت قطعی یا جواز خاصی برای آن ثابت شود. این قاعده، پشتوانه محکمی برای حمایت از کودکان در برابر بهره کشی اقتصادی فراهم می سازد.

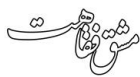
تبیین موارد، شرایط و قلمرو جواز اشتغال کودک - که مبتنی بر مصالحی مانند مهارت‌آموزی، مسئولیت‌پذیری و آماده‌سازی برای زندگی اجتماعی، خارج از چهارچوب استثمار و ظلم است - مبحث دوم این نوشتار خواهد بود.

۲. در پرتو مصلحت: از منع حمایتی تا جواز تربیتی

این گذار از منع به جواز، با تحلیل سه محور کلیدی «الغای خصوصیت» در فعالیت کودک، رعایت اصل «امانت» در حق او و تبیین دقیق «مصلح عقلایی و تربیتی» میسر می‌گردد.

۲-۱. مفهوم «تعلیم ادب» در روایات تربیتی

استدلال این بخش بر این مبنا استوار است که مفهوم «ادب» در روایات تربیتی، منحصر به آداب گفتاری و فردی نیست، بلکه شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها، هنجارها و توانمندی‌های لازم برای زندگی اجتماعی سعادتمندانه می‌گردد. بر این اساس، می‌توان با بهره‌گیری از اطلاق واژه «تعلیم ادب» از مصادیق ذکرشده در روایات، جواز ورود کودک به عرصه اقتصادی را در چهارچوب آموزش «ادب معاشرت اقتصادی و اجتماعی» اثبات نمود.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

الف. تحلیل دلای روایات و توسعه مفهومی «ادب»

در روایات متعددی بر تعلیم و تربیت کودک پس از دوره هفت ساله اول تأکید شده است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام پس از بیان دوره بازی، فرمودند: «[پس از هفت سال] او را ملازم خود قرار ده و ادب بیاموز» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۳). همچنین در روایات دیگری، حقوق فرزند بر پدر، شامل «ادب آموزی» در کنار آموزش قرآن و شنا برشمرده شده است (همان، ج ۲۱، ص ۴۷۴ و ۴۷۶).

شایان ذکر است مراد از «ادب» در این روایات تنها ناظر به آداب کلامی و اخلاق فردی نیست بلکه با تدبّر در این نصوص و توجّه به هدف غایی تربیت که آماده‌سازی کودک برای «زندگی اجتماعی» است، روشن می‌شود که «ادب»، مفهومی توسعه‌یافته و چندساحتی دارد. هر عرصه از زندگی، «ادب» خاص خود را



می‌طلبید؛ عرصه اجتماع، ادب تعامل با مردم را می‌طلبید؛ عرصه اقتصاد و بازار، ادب معامله، مسئولیت‌پذیری، صداقت و مدیریت مالی را می‌طلبید.

ب. تطبیق: آموزش «ادب اقتصادی» از طریق اشتغال نظارت‌شده

بر این اساس، ورود کنترل‌شده و هدفمند کودک به فعالیت‌های اقتصادی متناسب، به شرط رعایت تمامی ضوابط حمایتی، مصداق بارز «تعلیم ادب» در ساحت اقتصاد و اجتماع است. این اقدام، کودک را با آدابی عملی و ملموس آشنا می‌سازد که در هیچ کلاس درسی به طور کامل قابل انتقال نیست؛ آدابی از قبیل:

۱. ادب تعامل با مشتری و همکار؛

۲. ادب رعایت انضباط کاری؛

۳. ادب مدیریت درآمد و دخل و خرج؛

۴. ادب صبر و تلاش برای دستیابی به هدف.

بنابراین، تعمیم حکم به کلیه مهارت‌ها و آدابی که در مسیر رشد اجتماعی و اقتصادی کودک ضروری است، امری منطقی و مستند به روح کلی حاکم بر روایات تربیتی است. این نگاه، همسو با فلسفه تربیت در اسلام است که به پرورش انسانی متعادل و توانمند در تمامی عرصه‌های زندگی نظر دارد.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

تمامی این نکات با روح این روایت که از امام صادق علیه السلام نقل شده است همراستا است؛ ایشان می‌فرمایند: «کودک هفت سال بازی، هفت سال خواندن و نوشتن، و هفت سال مقررات زندگی (حلال و حرام) را می‌آموزد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷).

۲-۲. امانت بودن کودک: پشتوانه‌ای اخلاقی برای مسئولیت تربیتی

در کنار ادله نقلی، می‌توان به مفهوم امانت در تربیت کودک به عنوان پشتوانه‌ای اخلاقی و تأکیدی بر مسئولیت سرپرست استناد جست. این نگاه، هرگونه تفسیر مالکیت مطلقانه از ولایت بر کودک را باطل می‌سازد.

این مفهوم، به منزله یک چهارچوب تفسیری (Paradigm) عمل می‌کند که برداشت از ادله شرعی را جهت‌دهی و مدیریت می‌نماید. بر این اساس، توجه به آن در فرآیند استنباط، ضروری و راهگشا است.

الف. تبیین مفهوم امانت و دلالت آن

در فرهنگ اسلامی، کودک به عنوان امانت الهی نزد والدین به شمار می‌آید. (علی‌بیگی، ۱۳۷۸) این نگاه، پیامدهای مهمی دارد:

۱. نفی حق بهره‌کشی: ولایت بر کودک، به معنای مالکیت بر او و به تبع آن، حق بهره‌کشی اقتصادی نیست.
۲. تأکید بر مسئولیت: این ولایت، در حقیقت وظیفه‌ای سنگین برای تربیت، حفظ و هدایت این امانت به سوی کمال است.
۳. لزوم رعایت مصلحت: هر اقدام سرپرست، از جمله در زمینه اشتغال، باید در چهارچوب مصلحت مسلم کودک و برای «رساندن این امانت به سر منزل مقصود» باشد (میرمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۵).

ب. پیوند با ادله پیشین و نتیجه‌گیری

این نگرش امانت‌دارانه، همسو و مؤید استدلال‌های بخش پیشین است:



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

إلغای خصوصیت: همان‌گونه که آموزش قرآن و شنا برای رشد کودک است، آموزش مهارت‌های اقتصادی مفید و غیراستثماری نیز در راستای مسئولیت امانت‌داری و آماده‌سازی او برای زندگی است.

اصل منع: نگاه امانت‌دارانه، قبح و حرمت بهره‌کشی از کودک را که در بخش اول به آن رسیدیم، تقویت می‌کند؛ چراکه خیانت در امانت و تضییع حقوق او محسوب می‌شود.

بنابراین، اگرچه استناد به «امانت بودن کودک» به تنهایی برای اثبات جواز یک فعالیت اقتصادی خاص کافی نیست، اما به عنوان پشتوانه‌ای اخلاقی و چهارچوب‌ساز، استدلال اصلی را تکمیل می‌کند. این مفهوم بر این نکته تأکید می‌ورزد که هرگونه تصمیم‌گیری درباره کودک (از جمله اشتغال) باید در فضایی آکنده از مسئولیت‌پذیری و با محوریت منافع عالیّه او صورت پذیرد، نه خواست و منفعت سرپرست (ر.ک: گروهی از مؤلفان، مجله مجمع فقه اسلامی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۳۳).



۲-۳. قلمرو جواز: مصالح عقلایی و تربیتی در اشتغال کودک

در مقابل ادله منع، مواردی وجود دارد که با رعایت چهارچوب‌های شرعی و عقلایی، ورود کنترل‌شده و تربیت‌محور کودک به عرصه اقتصادی را مجاز و حتی مطلوب می‌سازد. محور اصلی این جواز، تحقق مصالح مسلم و عقلایی برای خود کودک است، به شرط آنکه:

۱. با حقوق بنیادین او (آموزش، سلامت، بازی) تعارضی نداشته باشد؛
 ۲. جنبه استثمار و تحمیلی نداشته باشد؛
 ۳. تحت نظارت ولی شرعی و با رعایت غبطه او باشد.
- مصادیق این مصالح را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی نمود:

۱-۲-۳. تربیت اقتصادی و مهارت‌آموزی برای زندگی

هدف در اینجا نه درآمدزایی، بلکه آموزش مفاهیم و مهارت‌های اساسی است:

۱. تقویت مسئولیت‌پذیری: محول کردن وظایف کوچک و متناسب با سن (مانند مشارکت در امور خانه) باعث رشد روحیه تعهد و همکاری می‌شود.
۲. آموزش مدیریت مالی: وقتی کودک از طریق تلاش خود مبلغی به دست می‌آورد، مفاهیمی مانند ارزش پول، پس‌انداز و قناعت را به صورت عینی و ملموس می‌آموزد. روایات بسیاری بر ارزش «عقل معاش» و تلاش برای کسب روزی حلال تأکید دارند (برای نمونه، ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۹۱).

۳. آماده‌سازی برای آینده: آشنایی زودهنگام با فضای کار و اقتصاد، تاب‌آوری و توانایی مواجهه با چالش‌های زندگی در آینده در وجود کودک افزایش می‌دهد.

۲-۲-۳. رشد شخصیتی و اجتماعی

در پرتو تحقق این رشد، مفاهیم ارزشی ذیل قابل رصد است:

۱. کسب اعتمادبه‌نفس: احساس استقلال و مفید بودن حاصل از انجام یک کار، سنگ بنای اعتمادبه‌نفس سالم در کودک است.
۲. اجتماعی شدن: بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، کودک را در موقعیت



تعامل با دیگران قرار می‌دهد و مهارت‌های ارتباطی و کار گروهی را در او تقویت می‌کند.

۳. پیشگیری از انحراف: سوق دادن انرژی فراوان کودک به سمت فعالیت‌های سازنده و مورد علاقه‌اش، او را از گرایش به بزهکاری و انحرافات اجتماعی مصون می‌دارد.

۳-۳-۲. پرورش فضایل اخلاقی

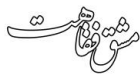
در سایه‌سار توجه به ارزش‌های اخلاقی و انسانی، نکات منفی دور و نکات مثبت به منصبه ظهور می‌رسد.

۱. نفی روحیه مصرف‌زدگی و تن‌آسانی: وقتی کودک زحمت کسب درآمد را ببیند، ارزش‌داری‌ها را بهتر درک کرده و از روحیه تجمل‌گرایی و تن‌آسانی دور می‌شود.

۲. تقویت روحیه مشارکت و ایثار: هنگامی که کودک از اموال خود که حاصل زحمتش است انفاق می‌کند، ارزش معنوی بخشش و کمک به دیگران را درک عمیق‌تری می‌کند. روایتی از امام رضا (ع) بر تشویق کودک به انفاق از دست خودش تأکید دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴).

بر این اساس، مجموعه این مصالح عقلایی و تربیتی - که مورد تأیید سیره عقلای متدین و همسو با اهداف کلی شریعت در تربیت انسان‌های مسئول و توانمند است - نشان می‌دهد که نمی‌توان در برابر هرگونه اشتغال کودک، موضع منع مطلق گرفت. بلکه در چهارچوب مشخص و با رعایت کلیه شرایط حمایتی، می‌توان به جواز شرعی این امر، به عنوان یک ابزار تربیتی کارآمد حکم نمود.

پس روح حاکم در همه ساحات تربیتی کودک، مصلحت است؛ از این‌روست وقتی فردی از امام صادق (ع) درباره انتخاب شغل مناسب برای فرزندش می‌پرسد، حضرت چنین پاسخ می‌دهند که: «بر پنج کار نگمار، هر چه خواستی انجام بده، صرافی نه زیرا از ربا در امان نیست؛ کفن‌فروشی نه زیرا از شیوع بیماری شادمان می‌شود؛ فروشنده آذوقه عمومی مردم نه زیرا احتمال احتکار در او می‌رود؛ قصابی نه چون رحمت را از دل می‌زداید؛ برده فروش - یا دلال چهارپا - هم نه» (همان، ج ۵، ص ۱۱۴). البته این توصیه در



رابطه با شغل کودکی است که مصلحت خویش را به خوبی تشخیص نمی‌دهد است که امکان ابتلا به مفاسد مذکور را دارد، نه یک فرد رشید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی آن بود تا با رویکردی فقهی، به بررسی حکم «به‌کارگیری کودکان در فعالیت‌های اقتصادی» بپردازد. یافته‌های تحقیق نشان داد که نمی‌توان در این مسئله، به حکمی مطلق و یکسان قائل شد، بلکه حکم شرعی، تابعی از مصلحتِ مسلم کودک و عدم وجود مفسده است. بر اساس ادله‌ای چهارگانه، شامل قاعده قرآنی «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»، روایات ناظر بر وجوب نفقه بر سرپرست، روایت نهی از کسب کودک نابلد و بنای عقلا، اصل اولی و قاعده کلی، منع از به‌کارگیری کودکان در فعالیت‌های اقتصادی است. این چهارچوب حمایتی، به‌طور مشخص مانع از هرگونه اقدام استثمار، ظالمانه یا ناقض حقوق بنیادین کودک (از قبیل تکدی‌گری، کار طاقت‌فرسا و محرومیت از آموزش و بازی) می‌شود. بر این اساس، در موارد شک، اصل بر حرمت است.



سال سوم | شماره پنجم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

در مقابل، پژوهش حاضر بیان داشت که ادله منع، اطلاق نداشته و به مواردی مقید است که با مصالح کودک در تعارض باشد. در مواردی که مصالح عقلایی و تربیتی مسلمی از جمله مهارت‌آموزی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، اجتماعی شدن، پرورش عقل معاش و آماده‌سازی برای مواجهه با زندگی محقق گردد و این امر در چهارچوبی کنترل‌شده، غیراجباری، متناسب با سن و توان کودک، و تحت نظارت ولی شرعی صورت پذیرد، هیچ دلیل شرعی بر منع وجود ندارد و می‌توان به جواز شرعی این امر حکم نمود.

در نتیجه، می‌توان گفت که معیار نهایی در جواز یا منع اشتغال کودک، «مصلحت‌سنجی» است. شریعت مقدس با وضع قاعده کلی منع، از کودک در برابر بهره‌کشی حمایت می‌کند و با گشودن باب جواز در موارد مصلحت‌آمیز، به تربیت جامع و توانمندسازی او جهت می‌بخشد. بنابراین، هرگونه تصمیم‌گیری در این عرصه، باید با محوریت منافع عالیۀ کودک و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط صورت گیرد.

منابع و مأخذ

کتاب

قرآن کریم

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، أبوجعفر محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، چاپ دوم.
۲. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی (۱۴۰۶ق). حاشیه المکاسب (للایروانی) (۲ جلد). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۳. پیوندی، غلامرضا (۱۳۹۰). حقوق کودک. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۴. تبریزی (شهیدی)، میرزا فتاح (۱۳۷۵ق). هدایة الطالب إلى أسرار المکاسب (۳ جلد). تبریز: چاپخانه اطلاعات، چاپ اول.
۵. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۱ق). تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۶. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق). إرشاد العقول إلى مباحث الأصول. قم، چاپ اول.
۷. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة (للصباحی صالح). قم، چاپ اول.
۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم، چاپ اول.
۹. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار (عج) (۱۴۲۹ق). موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها (۴ جلد). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، چاپ اول.
۱۰. طباطبایی قمی، تقی (۱۳۷۱). آراؤنا فی أصول الفقه. قم، چاپ اول.
۱۱. طوسی (شیخ طوسی)، أبوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. (خرسان، محقق)، تهران، چاپ چهارم.
۱۲. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). فقه و عرف. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم.
۱۳. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۲). فقه و عقل. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم.
۱۴. فاضل موحّدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). اصول فقه شیعه. قم، چاپ اول.
۱۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: چاپ اول.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامية). تهران، چاپ چهارم.
۱۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق). شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی). تهران، چاپ اول.



۱۸. میرمحمدی، سید مصطفی (۱۳۹۳). حقوق کودک (مطالعه تطبیقی در اسلام و اسناد بین‌المللی). قم، چاپ اول.
۱۹. مجلسی (علامه مجلسی)، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران، چاپ دوم.
۲۰. مجلسی (علامه مجلسی)، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ط - بیروت). بیروت، چاپ دوم.
۲۱. مجموعه‌ای از مؤلفان (۱۴۲۱ق). مجلة المجمع الفقه الاسلامی (العدد الثاني عشر، جلد چهارم). مؤتمر مجمع فقه اسلامی.

مقالات

۱. پاک‌نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۵)، «خانواده سالم در پرتو اسلام»، مبلغان، (۷۷).
۲. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۳۹)، آبان، «تجزیه و تحلیل در تاریخ اسلام / از شبانی تا تجارت»، درس‌هایی از مکتب اسلام، س ۲، (۱۰).
۳. زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ حاجی زاده، مسعود؛ اکبری، صدیقه (۱۳۸۸)، «نقش خانواده نابسامان بر پدیده کودکان کار»، فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، س ۱، (۶).
۴. علی بیگی سیریز، سکینه، (۱۳۷۸)، آذر و دی و بهمن و اسفند، «امانت داری در اسلام»، معارف اسلامی، (۴۴).
۵. حسینی، سید حسن، «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۵ (۱۹).
۶. یعقوبی ساردو، رضا؛ منتظری، شایان؛ جزینی زاده، اکرم؛ رحیمی، فردوس (۱۳۹۵)، زمستان؛ «تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تکیه بر اقتصاد کوچک خانگی بر اشتغال زنان و بهبود کیفیت تولیدات داخلی در راستای تحقق شعار اقتصاد مقاومتی»، مهارت‌آموزی، ۵، (۲).

